

# الدّرس الخامس

## أنواع الإعراب (٢)

دانستیم که

- ① اعراب دارای سه نوع است (١) ظاهری (٢) محلی (٣) تقدیری
- ② اعراب ظاهری شامل بیشتر اسم های معرب است و بر دو نوع است (١) اصلی (٢) فرعی

اما اعراب محلی و تقدیری شامل چه کلماتی است؟

### اعراب محلی

- آیا اسم های مبنی را به خاطر می آورید؟  
«اسم مبنی، اسمی است که حرکت آخر آن ها در موقعیت های مختلف ... باشد»
- اگر علامت آخر کلمات مبنی تغییرناپذیر است پس چگونه می توان به نقش آن پی برد؟

به تصاویر زیر توجه کنید:



این افراد برای ما آشنا نیستند. اما از «محله» کار آن ها می توان دریافت که آن ها روزنامه فروش، راننده

و معلم هستند.

از آنجا که علامت آخر کلمات مبنی ثابت است، لذا برای شناختن اعراب و نقش آن‌ها باید به «محلّ» قرار گرفتن آن‌ها توجه کرد.

نَجَحَ التَّلْمِيذُ.      رَأَيْتُ التَّلْمِيذَ.      نَظَرْتُ إِلَى التَّلْمِيذِ.  
 نَجَحَ ذَلِكَ.      رَأَيْتُ ذَلِكَ.      نَظَرْتُ إِلَى ذَلِكَ.

آیا در ظاهر کلمه «ذلک» علامتی وجود دارد که با کمک آن بتوان اعراب آن را تشخیص داد؟ چگونه می‌توان به اعراب «ذلک» در سه جمله پی برد؟ آیا می‌توانید از موقعیت «ذلک» و مقایسه آن با «التلمیذ» در جملات فوق اعراب آن را تشخیص دهید که رفع است یا نصب و یا جرّ؟



حال حدس بزنید

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (هود/۸۶)

اسم‌های مبنی در دو آیه چه اعرابی دارند؟

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (البقرة/۲)

محلّاً  
مجرور

محلّاً  
منصوب

محلّاً  
مرفوع

محلّاً  
مجرور

محلّاً  
منصوب

محلّاً  
مرفوع



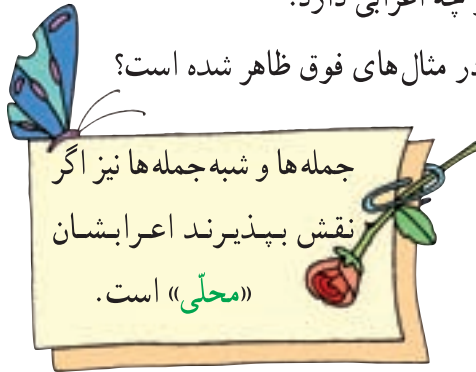
به این دو عبارت توجه کنید

– کلمات مشخص شده چه نقشی دارند؟

– آیا می دانید خبر چه اعرابی دارد؟

؟

– آیا اعراب خبر در مثال های فوق ظاهر شده است؟



## اعراب تقدیری

علامات آخر آن ها بر اساس نقشی که در  
جمله دارند، ...  
ثابت است ○ متغیّر است ○

کلمات معرب  
کلماتی هستند که:

اکنون کلمات معرب را معین کنید:

الْفَتَى    تَلْكَ    الْقَاضِي    هُوَ لَاءِ    كِتَابِي    هِي    بِنْتٌ

● می دانیم که «الْفَتَى» اسمی معرب است. حال اعراب «الْفَتَى» را در جملات زیر

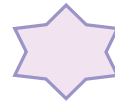
تعیین نمایید:

سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى.

رَأَيْتُ الْفَتَى.

جاءَ الْفَتَى.

چرا کلمه «الفتی» با وجود اینکه معرب است علامت‌های رفع، نصب و جر را نپذیرفته است؟



برخی کلمات با وجود معرب بودن علامت‌های اعراب را نمی‌پذیرند و اعراب آن‌ها را باید از نقش کلمه در جمله تشخیص داد. به چنین اعرابی اصطلاحاً «اعراب تقدیری» می‌گوییم.

### مهمترین کلماتی که اعراب آن‌ها تقدیری است:

اسمی است معرب که به الف ختم شود. مانند: دنیا، کبری	<b>اسم مقصور</b>
فاعل، مرفوع تقدیراً	رفع: جاء الفتی.
مفعول به، منصوب تقدیراً	نصب: رأيتُ الفتی.
مجرور به حرف جرّ تقدیراً	جر: سلّمت علی الفتی.
	اعراب در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.

اسمی است معرب که به یاء ماقبل مکسور ختم شود. مانند: قاضی، هادی	<b>اسم منقوص</b>
فاعل: .....	رفع: حَضَرَ القاضی.
... منصوب با فتحه	نصب: شاهدتُ القاضی.
مجرور به حرف جرّ .....	جر: مررتُ بالقاضی.
	اعراب در دو حالت رفع و جر اعراب تقدیری دارد.

اسمی است معرب که به ضمیر متکلم وحده (ی) اضافه شود. مانند: صدیقی	<b>اسم مضاف به یاء متکلم</b>
... مرفوع تقدیراً	رفع: هذا کتابی.
... مفعول به .....	نصب: قرأتُ کتابی.
..... تقدیراً	جر: القصةُ فی کتابی.
	اعراب در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.

در اعراب محلی و نیز در اعراب تقدیری باید به محل و موقعیت کلمه در جمله توجه کرد. پس فرق این دو در چیست؟

با مروری بر آنچه گذشت حتماً درمی یابید که :

اعراب محلی اصطلاحی است برای کلمات مبنی، جمله و شبه جمله.  
اعراب تقدیری اصطلاحی است برای برخی کلمات معرب یعنی (مقصود، منقوص، مضاف به یاء متکلم).

# اعراب اسم

مبنی

معرب

محلی

تقدیری

ظاهری

شامل  
 ۱- ضمائر  
 ۲- اسم موصول  
 ۳- اسم اشاره  
 ۴- اسم استفهام  
 ۵- اسم شرط  
 ۶- عدد مرکب

فرعی

اصلی

مقصور

در هر سه حالت  
 جاء الْفَتَى.  
 رأيتُ الْفَتَى.  
 سلمتُ على الفَتَى.

مثنی

«الف» در حالت رفع  
 «ياء» در حالت نصب و جرّ

جمع مذکر سالم

«واو» در حالت رفع  
 «ياء» در حالت نصب و جرّ

منقوص

در دو حالت رفع و جرّ  
 جاء القاضي.  
 رأيتُ القاضي.  
 سلمتُ على القاضي.

أسماء خمسة

«واو» در حالت رفع  
 «الف» در حالت نصب  
 «ياء» در حالت جرّ

مضاف به یای متکلم

در هر سه حالت  
 جاء معلمي.  
 رأيتُ معلمي.  
 سلمتُ على معلمي.

جمع مؤنث سالم

در حالت نصب

غير منصرف

در حالت جرّ

رفع المعلم

جاء المعلم

نصب المعلم

رأيتُ المعلم

جرّ المعلم

سلمتُ على المعلم

محلاً مرفوع  
هذا كتابٌ.

محلاً منصوب  
 قرأتُ هذا الكتاب.

محلاً مجرور  
 سلمتُ على هذا الرجل.

## يا إلهي

يا إلهي يا إلهي  
يا مُجيبَ الدَّعَوَاتِ  
وَأَجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً  
وَكَثِيرَ الْبَرَكَاتِ  
وَأَمَلًا الصَّدرَ انْشِرَاحاً  
وَفَمِي بِالْبَسْمَاتِ  
يا إلهي أنتَ عَوْنِي  
فِي أَدَاءِ الْوَأَجِبَاتِ  
نُورِ الْعَقْلِ وَ قَلْبِي  
بِالْعُلُومِ الْنَافِعَاتِ  
وَاجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَظِّي  
وَ نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ

## الأديب الملتزم

ذاتَ يَوْمٍ قَالَ الْمُتَوَكَّلُ الْعَبَّاسِيُّ لِوَزِيرِهِ :  
أُرِيدُ مُعَلِّماً حَازِقاً لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِي وَ تَعْلِيمِهِمْ . فَمَا رَأَيْكَ؟  
- لَا أَعْرِفُ أَفْضَلَ وَ أَعْلَمَ مِنْ ابْنِ السَّكِّيتِ ¹ .  
- طَيِّبٌ ، طَيِّبٌ ، إِذَنْ أَحْضِرْهُ لِتَعْلِيمِ أَوْلَادِي .  
حَضَرَ ابْنُ السَّكِّيتِ لِتَرْبِيَةِ أَبْنَاءِ الْمُتَوَكَّلِ وَ تَعْلِيمِهِمْ .  
فِي يَوْمٍ عِنْدَمَا كَانَ ابْنُ السَّكِّيتِ جَالِساً عِنْدَ الْمُتَوَكَّلِ دَخَلَ عَلَيْهِمَا وَلَدَاهُ ² .  
- هَلْ وَلَدَايَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ أَوْلَادُ عَلِيٍّ؟

١- هو أديبٌ مُلتزمٌ كانَ يَعِيشُ فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ وَ هُوَ كَانَ مُحَبَّاً لِأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص).

٢- تُحَدِّثُ النُّونُ مِنَ الْمَثْنَى وَ الْجَمْعِ السَّالِمِ لِلْمُذَكَّرِ عِنْدَ الْإِضَافَةِ .

غَضِبَ ابْنُ السَّكَيْتِ مِنْ كَلَامِ الْمُتَوَكِّلِ وَقَالَ بِجُرْأَةٍ:  
وَاللَّهِ، إِنَّ قَنْبَرًا مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَأَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ هَذَيْنِ وَأَبِيهِمَا.  
غَضِبَ الْخَلِيفَةُ غَضَبًا شَدِيدًا وَأَمَرَ الْجَلَادِينَ بِقَطْعِ لِسَانِ هَذَا الْعَالِمِ الشُّجَاعِ.  
فَفَازَ بِلِقَاءِ رَبِّهِ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مَاذَا تَطْلُبُ مِنْ مَعْبُودِكَ؟
- ٢- مَنْ كَانَ ابْنُ السَّكَيْتِ؟
- ٣- مَا كَانَتْ عَاقِبَةُ ابْنِ السَّكَيْتِ؟



التمرين الأول

أنظر إلى الكلمات التي أُشير إليها بخط ثم أجب عما طُلب منك:

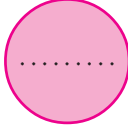
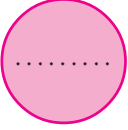
سبب البناء

إعراب

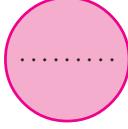
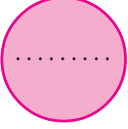
المثال:



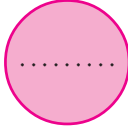
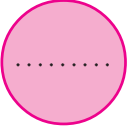
﴿هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾



١- ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾



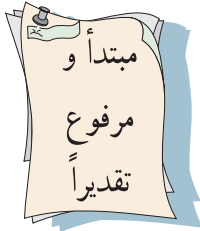
٢- «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ».



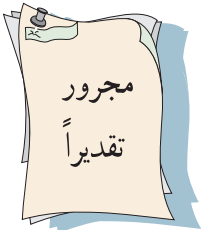
٣- إِحْتَرَمَ مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ.

التمرين الثاني

انتخب الإعراب المناسب لما أُشير إليه بخط:



١- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾



٢- ﴿يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ﴾



٣- «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ».

مفعول به  
و منصوب  
تقديرًا

مجرور  
تقديرًا

٤- «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ»

٥- «يَا رَبِّ قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي»

### التدريب الثالث

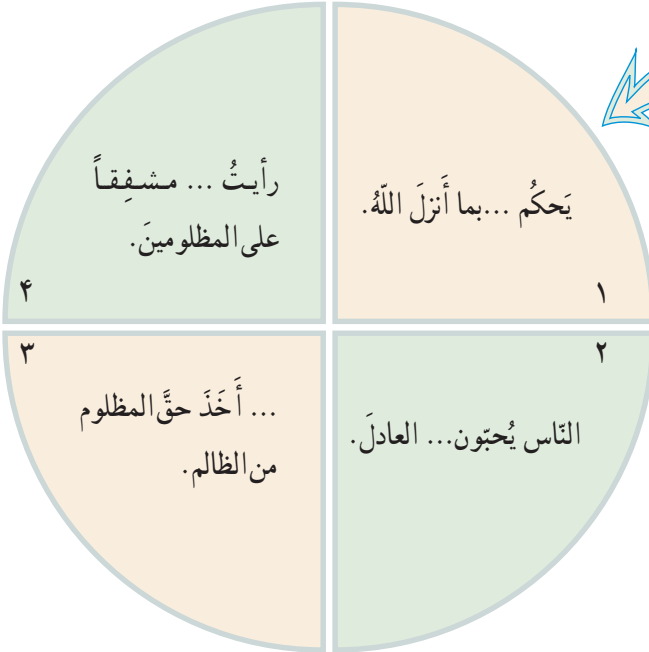
أَدْخِلْ كَلِمَةَ «الْقَاضِي» فِي كُلِّ جُمْلَةٍ ثُمَّ أَعْرِبْ ذَلِكَ حَسَبَ رَقْمِ الْجُمْلَةِ:

١- فاعلٌ و مرفوعٌ تقديرًا

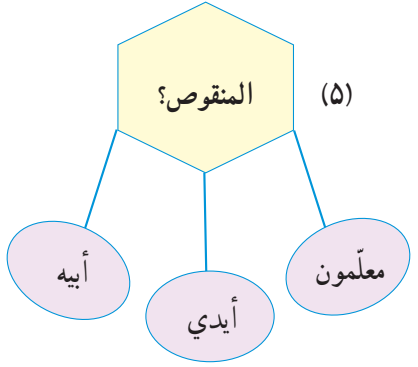
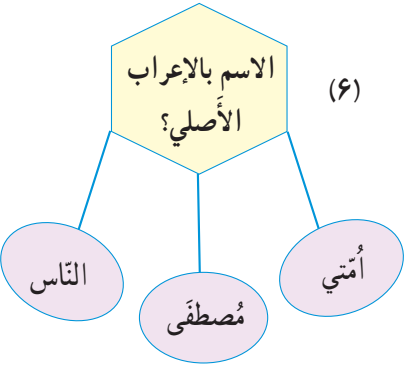
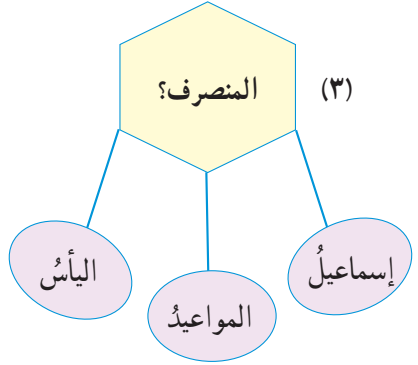
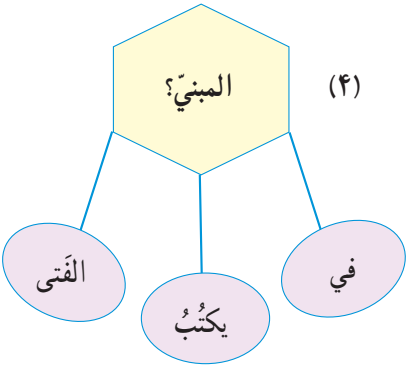
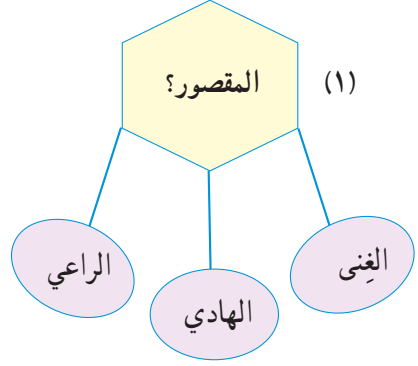
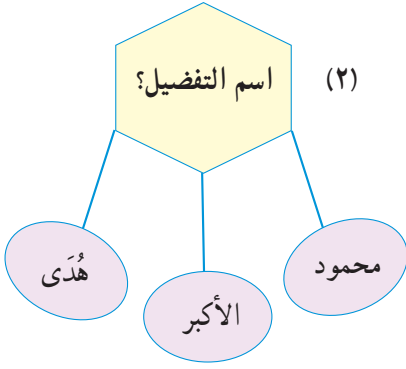
٢- .....

٣- .....

٤- .....



إنتخب الصحيح من كل شكل و اجعله في المكان المناسب :



قال الإمام عليّ (ع):

..... ١

..... ٢

..... ٣

..... ٤

..... ٥

..... ٦

عما .....

## امیدهای آینده

- مراسم بزرگداشت روز دانش‌آموز در مدرسه برگزار می‌شود.
- چرا آن روز را روز دانش‌آموز می‌نامیم؟
- روز دانش‌آموز، روز شهادت گروهی از دانش‌آموزان است.
- دانش‌آموزان امیدهای آینده هستند.
- آری، آینده کشور به دست دانش‌آموزان است.
- آیا می‌دانی وظیفه ما چیست؟
- وظیفه ما درس خواندن و ساختن میهنی مستقل است<sup>۱</sup>.

أَغْرَبَ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ:

۱- ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ﴾

۲- ﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ﴾

۳- «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ»

۱- امیدهای آینده : آمال المستقبل، مراسم بزرگداشت : مراسيم التكريم، برگزار می‌شود : تَنَعَّقِدُ، می‌نامیم :

نُسَمِّي، شهادت : استشهاد، گروهی : جمع، جماعة، آینده کشور : مستقبل البلاد، وظیفه : وظيفة، واجب،

درس خواندن : الدَّراسة، ساختن : بناء، میهن : وطن

برای ترجمهٔ متن گاهی ناگزیر هستیم از فرهنگ لغت استفاده کنیم.  
 فرهنگ‌های زبان عربی معمولاً به یکی از دو روش زیر تدوین می‌شوند:  
 الف) برحسب ریشه: در این گونه فرهنگ‌ها کلمات برحسب ریشه و حروف اصلی  
 آن‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند و سپس مشتقات آن کلمات در پی می‌آیند. به‌عنوان مثال برای  
 یافتن «استَعَلِمَ» باید به «عَلِمَ» مراجعه کنیم، مانند:

عَلِمَ : دانست.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

استَعَلِمَ : پرسید، جویای خبر شد.

ب) برحسب ترتیب حروف: در این گونه فرهنگ‌ها کلمات فقط برحسب ترتیب  
 قرارگرفتن حروف تقسیم‌بندی می‌شوند، مانند:

استَعَلِمَ : پرسید، جویای خبر شد.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

عَلِمَ : دانست.

## للترجمة

إِنَّ أَسْعَةَ الشَّمْسِ نُحُولُ الْمَاءِ بُخَاراً يَتَصَاعَدُ فِي الْجَوِّ فَيُكُونُ سَحَاباً هُنَاكَ، وَ  
 بُرُودَةُ الْجَوِّ نُحُولُ السَّحَابِ إِلَى نَقْطِ مَاءٍ فَتَسَاقُطُ عَلَى الْأَرْضِ مَطْراً يُنْعِشُ النَّبَاتَ  
 وَالْحَيَوَانَ وَالْبَشَرَ.

إفْرَأِ العِبَارَاتِ نَمَّ تَرْجَمَهَا إِلَى الفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مألُوفَةٍ:

\* لَا تَرَى الجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفَرِّطًا.

\* أَوْضَعُ العِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الجَوَارِحِ وَالْأَرْكَانِ.

\* الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ.

مُفْرِطٌ: افراط گر، کسی که در کاری

زیاده روی کند

مُفَرِّطٌ: تفریط گر

أَوْضَعٌ: پایین ترین، کم ارزش ترین

أَرْفَعٌ: بالاترین

الجَوَارِحُ: اعضای بدن

الأَرْكَانُ: دست و پا

الف) در کدام آیه دو مفهوم با هم مقایسه نشده اند:

- ۱- ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (الحديد / ۳)
- ۲- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الزمر / ۹)
- ۳- ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (النساء / ۹۵)

ب) نوع اعراب کدام کلمه مشخص شده، درست بیان نشده است:

- ۱- ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى...﴾ (الواقعة / ۶۲) محلی

شما از آفرینش نخست آگاهید.

- ۲- ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (المائدة / ۲) ظاهری

در نیکوکاری و تقوی همکاری کنید.

- ۳- ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (الحمد / ۵) محلی

تنها تو را عبادت می کنیم و تنها از تو یاری می جوئیم.